



2016/ 01/10



طارق "ارسلانی"

وای از ظلم پشتون

متأسفانه خصلت انسانهای کوتاه ذهن چنین است که به هر مقدار تحمل و فروگذاشت در برابر شان صورت گیرد به همان اندازه پرروی تر و گستاخ تر میگردند و فراخی سینه انسان را نیز نشان ساده لوحی تعبیر مینمایند. موضوع بر میگردد به غوغای که در این اواخر بالای لوحه وزارت دفاع از جانب یکعده افراد منجمله وکلای شورا براه انداخته شد و خوشحالی و تأیید آن حتی در "دنیای مجازی" و تا دور دستها نیز محسوس گردید. این لوحه صرفاً به پشتو و انگلیسی نوشته شده بود و همین موضوع چنان دماغ یکعده متعصبین را سوزانید که شخص داکتر عبدالله را وادار نمودند تا با استفاده از صلاحیت اجرائیوی خود بالای مقامات وزارت دفاع فشار وارد نموده و درخواست تغییر در لوحه متذکره را نماید. در قدم نخست باید گفته شود که چون قانون اساسی افغانستان "پشتو و دری" را بحیث دو "زبان" رسمی در کشور درج نموده است بناً این لوحه (و تمامی لوحه های رسمی) باید به هر دو "زبان" رسمی افغانستان نوشته میشد و مواد مندرج در قانون اساسی افغانستان نه تنها در این مورد که در تمامی حالات بصورت عادلانه و یکسان تطبیق میگردید. ولی جای تأسف در این است در کشوری که حیات سیاسی آن کاملاً معروض به خطر گردیده و مسئولین دولتی با هزار و یکتونوع مشکلات دست و گریبان هستند که حتی از فراهم نمودن خدمات خیلی ها ابتدائی نیز برای ملت عاجز مانده اند، مقامات رهبری آن به همچو مسائل پیش پا افتاده وقت خود را صرف مینمایند.

اساساً بشر "زبان" (یا لسان) را منحییث یک ضرورت و جهت ایجاد سهولت در افهام و تفهیم بکار میگیرد و بناً هر "زبانی" که که این ضرورت را به وجه بهتر رفع بتواند همان "زبان" برای انسان احسن میباشد. ولی در کشور ما متأسفانه "زبان" (بمانند بسا مسائل دیگر) به ابزار سیاسی مبدل گردیده و چنین است که عده از متعصبین کوردل کلمات نوشته شده بالای لوحه یک وزارت را (که شاید هم اشتهاً صورت گرفته باشد) نیز جهت پخش مفکوره های جاهلانه قومی و زبانی خود بکار میگیرند و نهایتاً سعی بر آن دارند تا قومی را که کلمات لوحه متعلق به ایشان است (پشتون) غاصب و ظالم معرفی نمایند. پس بهتر خواهد بود تا با مراجعه به شواهد و اسناد مختصراً دیده شود که این کدام ظلمی است که گریبان پشتون را رها نمیکند و آیا آنچنانی که کورکورانه ادعا میگردد واقعاً غاصبی در کار هست؟ گرچه بسیار این مسائل "تکرار مکررات" میباشد ولی باز هم برای آنعده که بیطرفانه و بدور از تعصب به مسائل مینگردند، خالی از دلچسپی نخواهد بود. پس بیاید با هم همین ظلمی را که از درد آن این همه گلو پاره میگردد و ورق ها در نکوهش آن سیاه میگردند و گاه و بیگاه زنده و مرده قوم غاصب (پشتون) به باد فحش و دشنام گرفته میشوند، را در مقایسه با کشور ایران که منحییث "مرجع تقلید" و "کانون بزرگ فرهنگی" و "وارث فرهنگ اصیل آریائی" و "قبله آمل" و بدون شک مرکز القاح و رشد اکثریت این افراد میباشد؛ از نظر بگذرانیم: - نامگذاری کشور افغانستان و ایران: تا ۸۰ سال قبل نام کشور فعلی ایران "فارس" بود و در سال ۱۹۳۵ رضاشاه پهلوی نام فارس را به ایران که منصوب به نژاد "آرین یا آریائی" میباشد تبدیل نمود و به اینترتیب "ایران" کشوری گردید منصوب به نژاد آریائی. در حالیکه در ایران اقوام و نژادهای غیر آریائی چون: ترک، ارمنی، گُرد، آذری، لر، عرب، بلوچ، یهود، قزاق، مغول، ... زندگی میکنند اما افراد متعلق به نژادهای غیر آریائی مجبور گردیده اند تا هویت نژادی خود را در مقابل نژاد آریائی از دست بدهند. ولی نام افغانستان منصوب به کدام قوم و نژاد خاص نیست. آنهای که اندکی هم از مسائل تاریخی آگاهی دارند میدانند که کلمه "افغان یا اپگان یا اوه گان" که بمعنی "اسب سوار نجیب یا چابک" میباشد در واقعیت "صفت" است نه "اسم" کدام نژاد و یا قوم خاص؛ که این صفت به تمامی اقوام افغانستان اطلاق شده میتواند. نام افغانستان به شکل "اغوانستان" حتی قبل از ایجاد امپراطوری احمدشاه بابای ابدالی (۱۷۴۷) بر روی نقشه قصر سلطان محمود دوم امپراتور عثمانی در استانبول (که متعلق بسال ۱۷۳۶ میلادی میباشد) درج گردیده است. در این نقشه حدود اربعه "اغوانستان" نیز ذکر گردیده است. * به اینترتیب برخلاف ادعای پوچ متعصبین، افغانستان کنونی قبل از اقتدار پشتونها به همین نام شناخته میشده و بنام قوم پشتون مسمی نگردیده است. پس گفته میتوانیم که اگر پشتون ها انحصار طلب میبودند، میتوانستند به بسیار ساده گی

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

افغانستان را "پشتونستان" نامگذاری کنند ولی اینکار را نکردند و بجای آن "افغانستان" را متصرف به همان صفتی گردانیدند که در میان همه اقوام ساکن این سرزمین مشترک بود. به این ترتیب افغانستان امروز یعنی خانه مشترک همه "سوارکاران نجیب" یا همه اقوام باشند این سرزمین.

- زبان رسمی در دو کشور افغانستان و ایران: زبان کشور فارس قدیم زبان "هخامنشاهی" و بعداً زبان "پهلوی ساسانی" بود. زبان دری از شرق (یعنی افغانستان کنونی) وارد ایران گردیده و در آنجا فارسی خوانده شد (متأسفانه یک‌عده افغانهای جاهل افتخارات کشور خود را نیز به ایران نسبت میدهند). به استناد سفر نامه ناصر خسرو بلخی مردم سرزمین فارس تا قرن ۱۱ میلادی با لسان فارسی (یا دری) درست بلد نبودند. حافظ شیرازی، شاعر شریفین سخن قرن ۱۴ میلادی نیز از اینکه کسی در "فارس" شعرش را نمیدانست چنان دل‌تنگ بود که شکوه کنان میگوید: سخندانی و خوشخوانی نمیورزند در شیراز +++ بیا حافظ که تا خود را به ملک دیگر اندازیم. دولتهای فارس لسانی را که از ما گرفتند بالای تمامی باشندگان سرزمین فارس تحمیل نمودند و در نتیجه صدها لسان و لهجه محلی را در ایران از بین بردند. ولی بر عکس فارس ها، پشتونها هیچگاه لسان خود را بالای کسی تحمیل نکردند و حتی دری را بحیث زبان دربار قبول نمودند. نه تنها این، بلکه بیشترین ترویج و تقویه زبان فارسی/دری توسط پشتونها صورت گرفته است. پشتونهای لودی زبان رسمی دربار را در هندوستان دری قرار دادند که لسان دری تا عصر مغول نیز زبان رسمی دربار هند باقی ماند. از برکت همین شاهان پشتون بود که صدها کتاب بزبان دری نوشته شد و شعرای بزرگی چون مسعود سعد سلمان، ابوالمعالی بیدل، ناصر خسرو دهلوی، ندیم کشمیری، مولانا غالب و دیگران در رونق و شگوفائی لسان دری خدمات ارزنده انجام دادند. حتی شعرای بزرگ پشتون چون خوشحال خان ختک، احمدشاه بابا، عایشه درانی و امثالهم همه به فارسی شعر میسرودند. در افغانستان حتی تا عصر امیر حبیب الله خان تمام نصاب تعلیمی و مکاتبات رسمی به لسان فارسی بود. همین امروز نیز تقریباً تمامی مکاتیب و اسناد رسمی افغانستان به لسان دری است و تقریباً اکثریت لوحه های رسمی نیز صرفاً به لسان دری است. ولی زمانی که لوحه یک وزارتخانه صرفاً به پشتو نوشته میشود، آسمان به زمین میخورد و پشتون مرادف میشود به غاصب و متعصب! اگر وجدان بیدار باشد مطمئناً که قضاوت برعکس خواهد بود.

- مذهب در ایران و افغانستان: مذهب تشیع بعد از اقتدار شاهان صفوی (قرن ۱۵ میلادی) با قتل عام ها و خشونت بی حد و حصر در سرزمین فارس پخش و ترویج گردید که تا به امروز به حیث "یگانه" مذهب رسمی در ایران شناخته میشود. ظلم و وحشتی که صفویان در پخش مذهب تشیع بکار بردند مو بر اندام انسان راست میکند. امروز با وجود آنکه اهل تسنن حدود ۲۰ فیصد نفوس ایران را تشکیل میدهند ولی در اکثر شهر های ایران (منجمله تهران) حق داشتن مسجد و ادای نماز در جماعت را ندارند. ولی پشتونهای افغانستان با آنکه با اکثریت مطلق سنی مذهب میباشند، ولی هیچگاه مذهب خود را بالای باشندگان سرزمینی که بالای آن حاکم بوده اند، تحمیل نکرده اند (درست بمانند زبان پشتو). همین احساس "تحمل پذیری" و وسعت نظر باعث گردیده که حتی در ولایات پشتون نشین چون قندهار، هلمند، پکتیکا، و پکتیا اهل تسنن و تشیع برادر وار در کنار هم زندگی کنند و هیچنوع قیود و ممانعتی در اجرای مراسم مذهبی بالای اهل تشیع وجود نداشته باشد.

تعصب تحت هر نام و عنوان و توسط هر فرد و گروهی که صورت گیرد یک عمل کاملاً ناپسندیده و مردود است. تعصب کینه و نفاق می آفریند و وسیله میگردد بدست دشمنان تا هرچه بیشتر نفوذ و کنترل خود را بالای ما تحمیل کنند. امروز افغانستان ما از هر زمان بیشتر به وحدت صفوف نیاز دارد. اقوام افغانستان در طول سده ها برادر وار در مجاورت همدیگر زندگی نموده و در غم و شادی همدیگر شریک بوده اند. درست بمانند اعضای یک فامیل اقوام افغانستان نیز در طول حیات سیاسی و اجتماعی خود به رویداد های ناپسند در میان خود مواجه گردیده اند که این رویداد ها در مقایسه به مشکلات دیگر ملل جهان سطحی و زودگذر بوده اند. مردم افغانستان در اثر قرابتها آنقدر با هم خلط گردیده اند که امروز نژاد خالص و زبان خالص در افغانستان قطعاً وجود ندارد پس اینهمه غوغا و سر و صدا که گاه و بیگاه از جانب افراد کوتاه ذهن صورت میگیرد (مربوط هر قومی که باشند) کاملاً مضحکانه و بی اساس است. خوشبختانه وجوه مشترک زیادی اقوام افغانستان را به هم پیوند میدهند که بهتر خواهد بود تا بالای آن وجوه مشترک تمرکز صورت گیرد نه بالای یکی دو حادثه که در شرائط خاص و توسط افراد خاصی صورت گرفته که هیچ ربطی به طرز تفکر و اندیشه اکثریت افراد همان قوم نداشته است و در شریط کنونی هیچ نفعی نیز از آن متصور نیست. اقوام افغانستان همه باهم برادر و برابر هستند و هیچ قوم و زبانی بر دیگری برتری و ارجحیت ندارد.

به امید یک افغانستان آزاد و سربلند و عاری از هر نوع تعصب.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

والسلام
ویرجینیا - امریکا
* به استناد از یاداشتهای محترم شهسوار سنگروال

پایان

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ